



بستنی قیفی آن، هست از این جدیدها!

گفت‌وگو با سید محمد حسینی

صفحه ۶



دروغگون!

گزارش جنجالی صدای ملکه درباره کمیته امداد

صفحه ۱۱



یه دوری میزنن بر میگرددن

وقتی پژو برجام رو زیر کرد

صفحه ۶



در حاشیه شاکی شدن سلبریتی ها و لاکچری ها از کمیته امداد

کمک به زلزله زدگان تایلند!



مهدی نظری

شاهرخ بایرامی

مدیریت میکنند و خدمات تورهای تایلند رو اونجا ارائه می‌کنیم. از همه هموطنان زلزله زدهمون هم دعوت کردیم که بیان و به صورت رایگان و با پرداخت فقط ۷۰ درصد هزینه‌ها برن تایلند، به شرطی که چمدون بارشون مال ما باشه، اینجوری هم روحیه‌شون عوض میشه، هم به بنگاه کوچک زود بازده واردات راهاندازی میشه که قطعاً مفیده.

قاضی: حالا شما چقدر به کمیته امداد کمک کردین که شکایت کردین؟
- من که خودم هیچی ولی این کارگر دفتر آژانس مسافرتی مون حواسش نبوده ۲۲۵۰ تومن انداخته تو صندوق که من اونو می‌خوام! زنده!

قاضی خطاب به منشی: بیا این پنج هزار تومن رو بنداز تو صندوق صدقات بلکه خدا یا مرگ من رو زودتر برسونه یا به عقلی به اینا بده!

- دخترمم تو یه فیلم کوتاه که چندین جایزه در سطح شهرستان دوشان تپه داشت، نقش یه رهگذر رو داشت، البته متأسفانه توی ممیزی نقشش حذف شد ولی فیلمش رو روی گوشی دارم، می‌خواین ببینین؟

قاضی: نه نمی‌خواد، حالا شما که از عملکرد کمیته امداد شکایت دارین، خودتون چطور پول‌هایی به مردم برای کمک به زلزله زده‌ها و موارد دیگه بهتون پرداخت می‌کنن رو هزینه می‌کنید؟

- آخه ریا می‌شه ولی برای شفاف سازی به بخشیش رو می‌دم، با ۴۰۰ میلیونش یه مزون زدیم تو نیاوران که مادر خانوم مدیریتش می‌کنه و یه کپی از همه ژورنال‌ها رو فرستادیم کرمانشاه که زلزله زده‌های عزیز هر وقت خواستن بیان و یا ۸ درصد تخفیف هر مدلی رو که خواستن خرید کنن! با ۳۰۰ تومنش هم به آژانس مسافرتی راه انداختم که پسر عمیرغم مشغله‌اش برای حضور تو تمرینات، این بخش رو هم

غرفه دارن، واسه بعد بازنشستگی که حوصله‌ام سر نره!

قاضی: حالا از کمیته امداد چرا شکایت کردی؟
- آقای قاضی اینا پول‌های ما رو بر می‌دارن میبرن مصر تو محله چینی‌های قاهره، قورباغه می‌خرن به چینی‌ها افطاری می‌دن! اینا امانتدار نیستن! الان خود من، پسرعم که فوتبالیسته و دخترم که بازیگره خودمون اومدیم وسط گود، کمک‌های مردمی رو جمع می‌کنیم کارهای خیر می‌کنیم، می‌دیم به اهلس.

قاضی: پس دختر و پسر تون سلبریتی هستن؟
- بله، ولی خودشون تواضع می‌کنن، پسرعم تو تیم "واردکنندگان بی‌گمرک" دروازه‌بان سومه و تا حالا هفت دقیقه و ۱۱ ثانیه برای تیمش بازی کرده و فقط چاهار تا گل خورده.

قاضی: پس کلین شیت کرده، دخترتون چی؟

قاضی: شغل شما چیه؟

- آقای قاضی، من یه استاد دانشگاه ساده سابقم، یا سابق ساده‌ام!

قاضی: چرا سابق؟ یعنی الان دیگه استاد نیستین؟

- والا آقای قاضی یک زلزله ای چند وقت پیش اتفاق افتاد که زندگی بنده رو اساسی تسکان داد! زیر و رو کرد، یعنی من تا قبلیش واحد میلیارد رو فقط برای تبدیل ثروت میلیون دلاری رضاشاه به ریال استفاده کرده بودم ولی بعد زلزله تو حساب خودم چند میلیارد پول داشتم!

قاضی: خب الان شغلتون چیه؟

- بیکارم قربان، اخیراً یه چند هزار هکتار زمین خریدم خودمو با اون مشغول کردم، دو سه دهنه پاساژ هم دارم میسازم که همه برندهای معروف اونور آبی توش



سیده محمدحسینی

نزدیک‌تبان

ابیر رحمت می‌رساند باز باران غم مخور کشور ما می‌شود بی‌شک گلستان غم مخور

وعده‌های اشتغال از دم محقق می‌شوند پس سر کارند دیگر کل ایران غم مخور هسته‌ای را ما بتن کردیم اما در عوض بیکر تحریم شد با خاک یکسان غم مخور

شاخص نرخ تورم گرچه باشد زیر صفر نرم‌ترک می‌رود پایین‌تر از آن غم مخور دشمن از پیمان اگر خارج شده این روزها می‌شود از نقض عهد خود پشیمان غم مخور

ای که از جنگیدن ما نوبی لبنان دلخوری می‌رسد این جنگ روزی هم به تهران غم مخور

گرچه تا نزدیک‌تبان* آمده دشمن ولی تا نثرده دست خود را سوی تنبان غم مخور

اینقدر از کفر روس و نیت شومش نگو شخص پوتین می‌شود آخر مسلمان غم مخور

حزبها شمشیر خود را گرچه از رو بسته‌اند پشت سر دارند بازی‌های پنهان غم مخور

تا شود اسنان تردد کردن برخی به غرب می‌کشیم از غرب تا اینجا اتوبان غم مخور

قوت غالب در زکات فطریه غیر از برنج در کنار نان، شود مرغ و فستجان غم مخور

تا نگردد وقت‌تان را، گفتن لاطاللات... در همینجا می‌رسد شعرم به پایان غم مخور

*تنب کوچک و بزرگ

فرهنگ گفتار کلیدی

مردم بروند بسوزند و بسازند:

یعنی فعلاً پیاز داغ قیمه‌ام سوخته و راه‌حل دیگری به ذهنم نمی‌رسد، در همین هوا هم زنده می‌مانید، ببینید (وینجره رو به جنگل را باز می‌کند و نفس عمیق می‌کشد تا آنجا که از هجوم آکسیژن به ریه‌ها ساعتها سسکه می‌گیرد)

مردم دعا کنند باد بیاید:

یعنی من فقط مسئول فرو کردن چهار انگشت به درون موهای پس کلام در جهت افق به صورت رفت و برگشتی هستم که میاد ذرات خاک بر رویشان مانده باشد، که اگر مانده باشد در روحیه همسر تاثیر می‌گذارد.

چرا احساسی تصمیم می‌گیرند مگر آب دریا شیرین می‌شود:

یعنی، دیگر هیچکس و هیچ چیز شیرین نمی‌شود (و شیرین شیرین ای یار را زمزمه می‌کند).

باید ببینیم هزینه تصمیماتی که اتخاذ کردیم چقدر است:

یعنی چند برابر هزینه تصمیمات باید درخواست بودجه بدیم تا هزینه سفر کیش و رنگ موی آلبالویی زعفرانی برادر زاده‌ام را بتوانم بپردازم، بالاخره باید دست اطرافیان را هم گرفت.

یوز پلنگ‌های میرند:

یعنی، اوضاع خیلی خوب است و دیگر قرار نیست مثل نهنگ‌ها به پوچی برسند و خودکشی کنند، آنها راضی‌اند. شما هم راضی باشید.

دریاچه ارومیه جز در عصر یخبندان هیچوقت خشک نبوده:

یعنی الان هم که در سال ۱۳۹۷ هستیم خشک نیست، هزینه‌ای احیا را بدهید به ما، نوه دختری‌ام چند وقت است بیس شده است.

برای بهبود شرایط محیط زیستی نیاز به پژوهش‌های علمی داریم:

یعنی کاوه رو بگم برگرد! این اگه برگرد دیگه اون کاوه قبلی نیست! حالا خود دانید.

یکی بود یکی نبود

پینوکیو که تازه به سن بلوغ رسیده بود برای ترکاندن جوش روی دماغش رفت جلوی آینه. همین که خواست دست ببرد تا جوش را بترکاند پدر ژیتو سر رسید و گفت: پسر جان! مگه صد بار نگفتم اون جوش‌هارو نترکون جاشون میمونه بازم که حرف گوش نکردی! پینوکیو گفت: فقط می‌خواستم بشمارم ببینم چند تا جوش دارم و گر نه اصلاً چندم میشه بترکونمشون!

پدر ژیتو از اتاق رفت و پینوکیو دست برد تا جوش روی لبوک دماغش را بترکاند که دید دماغش کلاً از کادر خارج شده و دیگر دستش به نوک دماغش نمی‌رسد!

او که حالا علاوه بر جوش‌های متعدد با مشکل درازی مفرط دماغ نیز روبه‌رو شده بود یک سلفی با دماغش گرفت و برای گربه نره و روباه مکار فرستاد و زیرش نوشت: دستم به پاچه شلوارتون، به دادم برسین که دماغم از کادر زده بیرون!

گربه نره و روباه مکار که سابقه همکاری با گریمور کاخ سفید را داشتند خیلی زود با یک گرم جادویی به کمک پینوکیو آمدند، پینوکیو اول کمی ترسید که گرم را به دماغش بمالد چون روی جلدش نوشته بود عوارض مصرف: زوال عقل، رنگ موی غیرطبیعی و... ساخت اسرائیل. گربه نره وقتی دید پینوکیو دست دست می‌کند گفت: خیالت راحت! گریمور کاخ سفید هر روز قبل از اینکه ترامپ دهنشو باز کنه از این گرم میماله به دماغش!

روبه مکار گفت: حالا درسته رنگ موهاش هویجی شده و هر کی می‌بینتش یکم به سلامتیش شک می‌کنه ولی عوض همه جا دماغش تو کادرا! تازه پوستش دیگه جوش نمی‌زنه!

از آن روز مدت زیادی نگذشته است حالا دماغ پینوکیو مثل روز اول شده و حتی دیگر جوش هم نمی‌زند اما روز به روز رنگ موهایش به هویجی نزدیک‌تر میشه که البته اشکال ندارد، چون قرار شده گربه نره و روباه مکار از کاخ ریاض برایش رنگ مو بیاورند!



امین شفیعی

بیانیه تیم کودک کش

هر چند به کل تیم‌ها می‌بازیم در حمله تمام شوت هامان اوت است چون داور و فیفا همه کلاً خودی‌اند اصلاً به درک که لغو کرد آژانتین این بیست و دو ساله را که فرصت داریم مال خودتان جام جهانی اصلاً با مارشال و میکرونزی و با آمریکا

همواره به تیم خودمان می‌بازیم در خط دفاع کلهم دروازه‌ای خود را به امید فول می‌اندازیم دیگر به مسی پول نمی‌پردازیم! آنقدر به دردسر نمی‌اندازیم ما نیز به جام خویش می‌پردازیم یک جام جهانی خودمان می‌سازیم

داوود افرازی



ویژه نامه طنز راه راه
کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی

سر دبیر: بهزاد توفیق فر
دبیر سرویس شعر: زهرا فرقانی
دبیر سرویس کارتون: کامران یاری
مدیر فنی: امیرحسین محمدپور
صفحه بندی: مجتبی سالاری

با ما بتماسید!

رایانامه: info@rahahtanz.ir
سروش: tanzym_ir
ایتا: tanzym_ir
بله: tanzym_ir

مداحی پارسال میثم مطیعی در عید فطر و یک لیبرال

چراغونی پارسال

یک آزادی‌خواه لیبرال باید به شدت در مورد کنش‌های اطراف خود حساس، دقیق و سریع‌الواکنش باشد! مثلاً فرض کنید عده‌ای قصد دارند FATF و پالمو را مثل برجام در بیست دقیقه تصویب کنند برود پی کارش، خب حق دارند! مردم که وقتشان را از سر راه نیابند که ساعت‌ها و روزها وقت بگذارند و بررسی کنند تا به نتیجه درست برسند! حالا دو نفر نشستند کف مجلس و به این نحوه تصویب معترضند! مشخص است که یک لیبرال آزاداندیش باید به آنها حمله کرده، با انواع نیش و کنایه، از قبیل کاسبان تحریم، دلوپس، واپسگرا و غیره بزند حسابشان را برسد.

پارسال - هشدار می‌دهد که غرب غیرقابل اعتماد است و برجام و هسته‌ای به فنا خواهد رفت که خواهد رفت! یک لیبرال خوب نباید از کنار این مساله به آسانی عبور کند! باید پیچ او را در فضای مجازی بیاید و تا می‌تواند فحش بدهد و بوق بگذارد. حتی اگر حرفش درست در آمد، لیبرال که نباید کم بیاورد! می‌رود با اروپا می‌بندد! اصلاً اروپا هم نیست، با چین و روسیه می‌بندد! آنها هم نیستند می‌گردد یک چیزی پیدا می‌کند و با آن می‌بندد! حتی ممکن است هم‌قطارهای خودتان تمام حرف‌های آن مداح یا نمایندگان دلوپس را تایید کنند! باز هم کم نیابید! خود را آن قدر به این کوچه و آن کوچه بزنید تا کت و کولتان از جا در

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ک	م	ن	*	ر	ا	د	ل	و	پ	ز	ن	ر	د	پ
*	س	ا	ن	ر	خ	*	ه	ز	ر	د	ا	ل	و	ف
ا	ت	ا	*	ر	ع	*	د	ن	ا	ل	*	ف	ن	۳
ف	*	ک	*	ص	ی	پ	*	ا	م	*	ا	ر	ی	۴
ط	*	ش	*	ر	*	ر	*	د	ت	د	*	ل	ت	۵
ا	و	ف	ت	و	ا	*	ن	ا	ف	ل	*	ف	ل	۶
ر	*	م	*	ی	ا	ب	ر	س	ی	س	*	ا	ل	۷
ی	ی	ا	ر	ض	ا	ی	ی	د	د	و	ر	د	ن	۸
*	ز	*	*	و	ز	*	*	و	پ	*	و	د	ا	۹
م	*	پ	*	م	*	م	*	ر	ع	*	ر	ا	ف	۱۰
ا	ت	ک	ی	ک	ا	د	پ	د	ن	*	ل	*	ل	۱۱
ه	ا	*	ز	ن	ف	ا	ل	*	ر	*	ر	*	ک	۱۲
ع	س	ک	*	ر	ر	*	ح	ا	ل	ص	*	ب	ا	۱۳
س	س	*	ا	ل	*	ت	و	ا	ح	*	ج	ا	ر	۱۴
ل	ی	ر	ب	ج	*	گ	ر	ی	ن	ف	ل	ت	ر	۱۵

فهمیه انوری

بشکن گاکول

منتقد تا حرف می‌زد، زود سوزن می‌زدید
هی به پرویی این گاکول، دامن می‌زدید
رفتنش هیچ اتفاق قابل ذکری نبود؟
پس چرا تا بود در برجام، بشکن می‌زدید

امین شفیعی